ابعاد احیاگری امام حسین علیه السلام در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)

محمدعلی برزنونی


بسم الله الرحمن الرحیم

ابعاد احیاگری امام حسین علیه السلام در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)

نویسنده:

محمد علی برزنونی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
ابعاد احیاگری امام حسین (ع) در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره) ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
چکیده ----- ۶
مقدمه ----- ۷
هدف امام حسین احیای دین اسلام بود ----- ۷
سابقه احیای دین ----- ۸
ابعاد احیاگری امام حسین از دیدگاه امام خمینی ----- ۹
احیای سنت و بدعت ستیزی ----- ۹
اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی ----- ۱۶
تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دین ----- ۲۰
برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین ----- ۲۵
پاورقی ----- ۳۲
درباره مرکز ----- ۴۱

ابعاد احیاگری امام حسین (ع) در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد علی برزنونی

ناشر : محمد علی برزنونی

شابک : ۰-۹۶۴-۹۷۸

نوع جلد : شومیز

قطع : رقعی

چکیده

واقعه کربلا را از زوایای گوناگون میتوان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. عمده تحلیلگران، این واقعه تاریخ ساز را از یک جنبه خاص مورد بررسی قرار داده و سایر جنبه ها را فرعی قلمداد کرده اند، اما باید در نظر گرفت که حرکتهای انسانی عمدتا چند بعدی است. علل و انگیزه های قیام را متعدد نوشته اند. در یک نگاه کلی میتوان این انگیزه ها و عوامل را در «احیاگری» خلاصه کرد. در این مقاله کوشیده ایم با مراجعه به کتابها و بیانات حضرت امام خمینی «ره» نکات مرتبط با قیام امام حسین (ع) را استخراج کرده پس از دسته بندی عواملی که امام راحل «ره» حرکت سیدالشهدا را بر اساس آنها تبیین فرموده به مقایسه اجمالی آنها با خطبه ها، نامه ها و سخنان امام حسین (ع) بپردازیم.اجمالا موارد ذیل را میتوان به عنوان «ابعاد احیاگری امام حسین» از دید امام خمینی «ره» ذکر کرد:۱- احیای سنت و بدعت ستیزی۲- اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدل۳- تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دینی۴- برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین.با توجه به مطالب این مقاله، حرکت احیاگری امام (ع)، هم «پیرایشی» است و سعی در جلوگیری از انحراف اسلام و وارونه جلوه دادن آن و پیراستن اندیشه ها و باورهای جاهلی از دامن دین و نیز پیرایش باورهای خرافی و سنتهای فرهنگی مغایر با روح دین در جامعه دینی و به عبارت دیگر «بدعت ستیزانه» است و به «خالص سازی» دین نظر دارد و هم با تکیه

بر ابعاد مغفول دین به احیای اندیشه امامت و ولایت در دین و به عبارتی «توانا سازی» دین همت می گمارد. هم در بعد نظری و اندیشه مسلمین دست به اصلاح میزند و هم در بعد عملی به احیای مسلمین می پردازد و با شهادت خود و اهل بیت و یارانش، فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین بلکه جهانیان را برمی انگیزاند.

مقدمه

سخن گفتن از شخصیت عظیم و تاریخ سازی چون حضرت اباعبدالله حسین (ع) سید شهیدان، با توجه به ابعاد گونه گون حیات و شهادت آن حضرت، چندان آسان نیست. بهتر آن است که در بررسی گوشه ای از دوران نهایی حیات آن بزرگ، عنوان قلم را به بزرگمردی از سلاله حسین (ع) بسپاریم که در دوران جاهلیت معاصر با تکیه بر آموزه ها و مفاهیم بلند عاشورایی، نهضتی حسینی را برانگیخت و حکومتی را براساس دین در صحنه سیاست جهانی پدیدار ساخت و در این شرح و تفسیر از کلمات، خطبه ها و نامه های امام حسین (ع) نیز بهره گیریم.در این تحقیق مختصر با مراجعه به کتابها و بیانات حضرت امام خمینی «ره» بویژه «صحیفه نور» نکات مرتبط با قیام حسینی را استخراج کرده و پس از دسته بندی عواملی که امام راحل «ره» حرکت سیدالشهدا را بر اساس آنها تبیین فرموده اند، به مقایسه اجمالی آن با خطبه ها، نامه ها و سخنان درر بار امام حسین (ع) می پردازیم.

هدف امام حسین احیای دین اسلام بود

به واقعه کثیرالاضلاع و پر جوانب کربلا، میتوان از زاویه های گوناگون نگریست و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. با یک نگاه به کتابهای تاریخی این نکته مشهود است که عمده آن کتابها، این حادثه را از جنبه ای خاص، مورد بررسی قرار داده و سایر جنبه ها را فرعی قلمداد کرده اند در حالیکه این نهضت به تعبیر استاد شهید مطهری از پدیده های چند ماهیتی و نهضتی متشابه، ذو وجوه، عمیق، چند بعدی، چند جانبه و چند لایه است؛ [۱] چرا که عوامل متعددی در آن دخالت دارند و علت تفسیرهای مختلف در مورد این قیام نیز محاذی بودن عناصر دخیل در آن است

که در آن واحد، مقصدها و هدفهای مختلف داشته است. اصولا این نکته را باید در نظر داشت که حرکتهای انسانی عمدتا چند منظوره است.برخی علت قیام حضرت را امتناع از بیعت با یزید می دانند و بعضی دیگر امر به معروف و نهی از منکر و عده ای هم دعوت کوفیان و تشکیل حکومت را علت العلل قیام ذکر می کنند. مسئولیت اجتماعی در حمایت از امت اسلامی و حفظ کیان اسلام، صیانت خلافت از انحرافهای امویان، جلوگیری از ظلم و ستم امویان بر امت اسلامی خاصه بر شیعیان، از بین بردن بدعتها و احیای سنت، جلوگیری از محو نام آل الله (ع)، جلوگیری از تارج بیت المال مسلمین، عمل به وظیفه شرعی و تکلیف دینی، اتمام حجت و تبلیغ دین و... از دیگر علل و انگیزه هایی است که نویسندگان در مورد این حادثه در کتابهای خود به آنها پرداخته اند.در یک نگاه کلی و دقیقتر، میتوان تمام انگیزه ها و علل و عوامل بر شمرده شده در خصوص قیام امام (ع) را در «احیای دین» خلاصه کرد. عزم امام حسین (ع) بر احیای دین بود.

سابقه احیای دین

امام حسین (ع) را باید در زمره اولین احیاگران و مصلحان دینی بر شمرد. پیش از ایشان، حضرت علی (ع) حرکت احیاگری و اصلاحی خود را برای پیراستن زواید از چهره پاک اسلام و برقراری نظام عادلانه و احیای سنت رسول الله (ص) آغاز کرد و در این راه نیز به شهادت رسید. محور حرکت احیاگرانه حضرت علی (ع) حذف کژیها و برقراری عدالت اجتماعی بود و سرانجام، جان پاک بر سر این کار نهاد. [۲] پس از ایشان حکومت در اختیار بنی امیه قرار

گرفت و با برنامه ریزیهای حذفی و تدریجی به مسخ چهره اسلام پرداختند و در این راه بسیار موفق شدند.امام حسین (ع) با شعار اصلاح به پا خاست و دین را به عنوان تنها عامل نجاتبخش جامعه اسلامی آن روز مطرح فرمود.در دوران حاکمیت معاویه هم در اثر ناتوانی عامه مردم در درک واقعیات و شناخت راه درست مبارزه با دشمنان و هم به لحاظ عمق و گستردگی دشمنی سنجیده و برنامه ریزی شده بنی امیه با اسلام، دین، عامل تخدیر جامعه اسلامی و مسلمانان آن روز و به قدرت رسیدن زورمداران و زرداران در آن روزگاران شده بود؛ به گونه ای که با سلاح اسلام به جنگ با اسلام برخاسته و با قدرتی که اسلام در اختیار آنان گذارده و با نیروهایی که داعیه دینداری داشتند به مبارزه با اسلام و متولیان آن پرداخته بودند.

ابعاد احیاگری امام حسین از دیدگاه امام خمینی

اجمالاـ موارد ذیل را میتوان به عنوان «ابعاد احیاگری امام حسین (ع) از دید امام خمینی «ره» ذکر کرد».۱- احیای سنت و بدعت ستیزی۲- اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی۳- تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دینی۴- برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین

احیای سنت و بدعت ستیزی

محور اساسی کلمات امام راحل «ره» درباره قیام سیدالشهدا (ع) «احیای سنت واز بین بردن بدعت» است. تکیه امام بر این نکته جای تأمل دارد و برجستگی آن را نشان میدهد. امام «ره» می فرمایند:- (یزید) عهد خدا را شکسته است و سنت پیامبر را مخالفت کرده است و حرمات الله تعالی را نکث کرده است. (صحیفه نور –ج ۴ – ص ۴۲).- آنها میخواستند اصل اسلام را از بین ببرند و یک مملکت عربی درست کنند.(صحیفه نور –ج ۱۳ –ص ۵۸).- اگر نبود این نهضت...، یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند (صحیفه نور – ج ۱۷ ص ۵۸).کربلا نهضت احیای سنتها و زدودن بدعتها و انحرافهای دینی و سیاسی بود.امام (ع) مفاهیم مکتب اسلام را از میان رفته می دید چرا که معاویه پس از صلح با امام حسن (ع) و آسوده شدن از جانب او، برای بقای خود و جلوگیری از سقوط سلطنت فاسد خود و حفظ آن در خاندان خود، با شدت هر چه تمامتر به تحریف اسلام و آلودن مکتب دست زد. برای نابودی ایدئولوژی اسلامی و تحریف آن به صورتی که معارض با سلطنت او و فرزندش نباشد. سعی بسیار کرد و در این کار نیز توفیق یافت.جعل حدیث از راه تهدید، تطمیع

و خریـداری حـدیث دروغ به نقـل از پیـامبر (ص) و نیز دگرگون سازی احادیث نبوی و توجیه آنها به نفع بنی امیه و علیه اهل بیت عصـمت و طهـارت (ع) و به تعبیر اسـتاد شـهید مرتضـی مطهری اسـتخدام عامل روحانیت به وسـیله علمای سوء [۳] کاری رایج شد. از سوی دیگر بنی امیه با سازماندهی جریانات اعتقادی انحرافی و ایجاد فرقه های مذهبی به نام اسلام مثل «مرجئه» و «جبریه» حکومت خود را توجیه میکردنـد؛ حتی معـاویه اغلب برای توجیه حکومت خود به آله کریمه «یؤتی الملـک من تشاء» اسـتناد می جست و یزیـد نیز در وقت آوردن سـر مبـارک امـام شـهیدان (ع) نزد او، آیه شـریفه «قـل اللهم مالـک الملک» (آل عمران -۲۶) را خواند. احیای ارزشهای قومی و قبیله ای، دامن زدن به آتش امتیازات و تعصبات نژادی و مفاخرات قومی، باب کردن طعن و هجو قبایل نسبت به یکدیگر و فضیلت عرب بر عجم و قریش بر غیر قریش، ترویج اشعار، خاصه اشعار جاهلی به جای قرآن و حـدیث ونیز ترویـج باورها و سـنتهای جاهلیت که با روح دیانت پیامبر مخالفت داشت، از دیگر کارهای معاویه و بلکه بنی امیه بود، برای نمونه ابن خلکان ضمن شرح حال ابوعبیده نحوی مینویسد:و ذکر المبرد فی کتاب الکامل ان معاویه بن ابی سـفیان الاموی قال: اجعلوا الشـعر اکبر همکم و اکثر آدابکم فان فیه مآثر اسـلافکم و مواضع ارشادکم» [۴] و سپس به ذکر خاطره ای از معاویه می پردازد که در هنگامه کارزار و سـخت شدن جنگ بر او، قصد فرار داشته اما با یادآوری یکی از اشعار جاهلیت، دوباره به جنگ روی آورده است.جاحظ امویان را نخستین کسانی میداند که آشکارا در تاریخ

اسـلامی، رسوم و آداب غیر اسـلامی را بدعت گذاشتند و کوشیدند تا از شاهنشاهی ایران و بیزانس تقلید کنند و خلافت را به امپراتوری کسـری و قیصـر تبدیل سازند. [۵] اسـلام آوردن امویان صـرفا به خاطر حفظ مصالـح و منافع شخصـی خودشان بود. اسـلام را نه به عنـوان دین بلکه به مثـابه عـاملی برای رسـیدن به مطـامع خود قلمـداد می کردنـد. ابو سـفیان پس از به خلافـت رسـیدن عثمـان، سـخنی دارد که نشانگر عمق دشـمنی او با اسـلام و نگرش و تلقی او از دین است. در روز اول خلافت عثمان گفت: «یـا بنی امیه تلقفوهـا تلقف الکره، امـا والـذی یحلف به ابوسـفیان لا ـ جنه و لانار» [۶] و چه خوب به نصـیحت ابوسـفیان گوش کرده، عمل کردند.معاویه به موازات ایجاد انحراف در عرصه نظری از طریق تحریف در ایدئولوژی، در عرصه اجتماعی نیز بـا ایجـاد رعب و وحشت به مهـار توده ها دست زد و با برافروختن آتش اختلاف نژادی و طبقاتی و کینه های قومی و قبیله ای به روشـهای مختلف در سرکوب مخالفان کوشید؛ با جاسوسی، ترور، مسموم کردن، کاهش مستمری مردم عراق و افزایش مسـتمری اهـل شـام بـا این توجیه که بیت المـال در اختیار امام است و هر چه خود خواهـد میکنـد...پس از معاویه، یزیـد که با تربیت قبیله ای و در بیابان پرورش یافته و از سـیاست، بویی نبرده بود، خلافت را بـدست گرفت. او از اسـلام هیچ نمی دانست. علنـا مجلس شـراب و لهو و لعب برپـا میکرد و مرتکب اعمالی میشـد که با حیثیت دین و خلافت دینی مخالف بود. در «مروج الذهب» مسعودی چنین میخوانیم: «او مردی عیاش بود. سگ و میمون و

یوز و حیوانات شکاری نگه میداشت. شرابخواره، و همواره به لهو و لعب سر گرم بود. میمونی داشت که کنیه او را ابوقبیس گذارده بود و او را در مجلس شراب خود مینشانید و متکایی برایش می نهاد و گاه او را بر خر وحشی تعلیم یافته ای که زین و لگام داشت می نشانید و آن را به مسابقه با اسبان وامی داشت. ابوقبیس قبایی از حریر سرخ و زرد به تن و کلاهی از دیبای الوان به سر داشت. خر وحشی نیز به زینی از حریر سرخ منقش و رنگارنگ مزین بود. اما این سبکسریها و زشتکاریهای او نه تنها از سوی اطرافیانش تقبیح نمیشد بلکه آنان برای خوشامد وی پیوسته زبان به مدح و تمجید می گشودند و شاعران درباری برایش مدیحه های گوناگون می سرودند.» [۷] یزید پس از وارد شدن اهل بیت با حال اسارت به شام، در هنگام زدن چوب بر دندانهای سر مبارک اباعبدالله (ع) شعری را از عبدالله زبعری میخواند که بیانگر عمق بی اعتقادی او بود:لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل [۸] .بنی هاشم با پادشاهی و سلطنت بازی کردند. نه خبری آمد و نه وحیی از آسمان نازل شد. در جای دیگر با به سخره گرفتن دین و احکام و شعایر آن میگوید: اگر شراب در دین محمد حرام است تو آن را با دین مسیح بنوش. [۹] .در آن روزگاران می بینیم که دینداران حقیقی در اقلیت به سر میبردند. ارزشهای جاهلی که پیامبر در قلع و قمع آنها و دگرگونی آنها به شعایر دینی تلاش بسیار کرد، دوباره سر برآورده، حیات مجدد یافتند. رقابتها و دسته بندیهای قومی و قبیله ای آغاز

شد و کوتاه سخن اینکه اسلام رنگ دیگر یافت و چهره پاک و نورانی آن زیر پرده زر و زور و تزویر بنی امیه پوشیده ماند و جلوه وارونه و دگرگون آن نمود پیدا کرد و به تعبیر امام خمینی «ره»: «اینها میخواستند که الله را بردارند و طاغوت را جایش بنشانند، همان مسایل جاهلیت و همان مسایل سابق» (صحیفه نور –ج ۷ – ص ۳۷) «اینها پدر و پسر، اسلام را وارونه داشتند نشان میدادند» (همان. ص ۲۳۰).امام (ع) حرکت احیاگری خود را از زمان معاویه آغاز کرد. در سال ۵۸ هجری دو سال قبل از هلاکت معاویه در منی خطبه ای خواند و در آن با ذکر شمه ای از فضایل أمیرالمؤمنین علی (ع) و خاندان عصمت و طهارت و با بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به آن فراخواند. با مورد خطاب قرار دادن علما، وظیفه آنان را در مقابل ظلم و ستم بیان کرد. توجه به معنای خطبه و فقرات شریف آن و نیز جو اختناق و وحشت و خفقان حاکم بر جامعه اسلامی آن روز، چه بر علما و چه بر عوام، اهتمام امام (ع) را به بازگرداندن مکتب اصیل به راه صحیح و جلوگیری از انحرافها نشان میدهد. [۱۰] .امام (ع) در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم مبنی بر بیعت با یزید که به زعم او به خیر و صلاح امام و به نفع دین و دنیای ایشان است، با خواندن آیه استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون) فرمود، حال که امت به فرمانروایی مثل یزید گرفتار شده باید فاتحه اسلام را خواند. [۱۱] این

سخن، گویای عمق فاجعه و فساد و نیز ژرف بینی و درایت و شجاعت امام (ع) است.در وصیت معروف امام (ع) خطاب به برادرش محمد حنفیه پس از شهادت به الوهیت و رسالت و بهشت و دوزخ و روز قیامت و حشر، چنین میخوانیم: «من از روی سرکشی و خودخواهی و سرپیچی و برای فساد و ستمگری از مدینه خارج نشده ام بلکه خواسته من از سفر، اصلاح مفاسد در امت جدم رسول الله (ص) است» میخواهم... سیره و روش جد و پدرم را سیره و روش خودم قرار دهم (و سنت و قانون جد و راه و روش پدر را احیا کنم)». [۱۲] .حدود پنجاه سال از رحلت پیامبر (ص) بر مردم گذشته است. در طول این مدت جز چند سالی که خلافت را علی (ع) عهده دار بود - و البته عمده دوره خلافت ایشان به جنگ با ناکثین و قاسطن و مارقین گذشت - سنت پیامبر (ص) دگرگون شده و شکل دیگری به خود گرفته بود. جو خفقان بار حاکم، عالمان را ملجم و جاهلان را مکرم می داشت و علاوه بر ظلم و ستم اموی، فساد شیوع یافته و احکام اسلام تغییر یافته بود و به تعبیر امام راحل «ره» می رفت که مکتب «با کجرویهای تفاله جاهلیت و برنامه های حساب شده احیای ملی گرایی و عروبت... محو و نابود شود... و اسلام و وحی را به انزوا کشاند.» (صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۱۸۱).در نامه ای که پس از ورود به مکه، خطاب به مردم بصره و سران قبایل آن شهر نگاشت، اشاره میکند که «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرامی خوانم

چرا که در حال حاضر با وضعیت موجود، سنت پیامبران از میان رفته و بدعتهای جاهلی جای آن را فراگرفته است.» [۱۳] .نیز پس از روبرو شدن با سپاهیان حر، در یکی از منازل، خطاب به آنان با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص) چنین میگوید: «ای مردم پیامبر خدا فرمود: هر کس با ستمگری روبرو شود که حرام خدا را حلال شمرده و پیمان الهی را در هم شکسته و با سنت پیامبر مخالفت میکند، در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل میکند ولی او در مقابل چنین سلطانی باکردار یا گفتار اظهار مخالفت نکند بر خداوند است که او را در محل عذاب آن سلطان داخل کند. آگاه باشید که اینان (بنی امیه) پیروی از شیطان را بر خود لازم و اطاعت از رحمان را ترک نموده انـد. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل کرده اند. فی ء را به خود اختصاص داده، حرام خـدا را حلال و حلال را حرام شـمردند.» [۱۴] .این عبارات بدون شـرح و تفصیل، بیانگر وخامت اوضاع جامعه مسلمانان در آن روزگار است. حکومت اموی با ملعبه قرار دادن اسلام و تشبث ظاهری به آن و با نام خلافت رسول الله (ص)، تیشه به ریشه دین میزنـد و به تغییر و تحریف احکـام اسـلام و قوانین پیـامبر و بازگردانیـدن خرافـات و باورهـای جاهلی همت میگمـارد و امـام (ع) بـا تعبیر «من رأی» وظیفه ء عموم مسـلمین و خصوصـا عالمـان دینی را بیـان میکنـد.امام (ع) پس از ورود به کربلاـ در دوم محرم سـال شـصت و یـک هجری در اولین خطبه خود، اوضـاع دگرگون زمان، آشـکار شـدن زشتیها، سرکوبی

نیکیها و زنـدگی ننگین و ذلت بار مردم را، که نه به حق عمل و نه از باطل جلوگیری میشود، بیان میکند و مرگ را سعادت و زنـدگی با سـتمکاران را رنج و نکبت میشـمارد. [۱۵] .از مجموع این مطـالب درمی یـابیم که امـام (ع) برای حفـاظت از کیـان اسـلام و حمایت از آن و جلوگیری از محو نام خاندان رسول خدا نابودی اسلام و هدر رفتن زحمات پیامبر خاتم به پاخاست و در راه احیـای سـنت اصـیل و از بیـان برای بـدعتها از همه چیز خود گـذشت. او بـا پیرایش باورهـای جاهلی از دامن دین و نیز پیرایش ارزشـها و سـنتهای فرهنگی منـافی بـا روح دین در جـامعه دینی آن روز و هر روز سـعی در خـالص سـازی دین و توانا ساختن آن کرد. تعبیر «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء» مشهور است. پیامبر علت موجده ء دین و ائمه ء هدی علل مبقیه ء دین شـریف هستند. امام راحل «ره» معتقدند «که سیدالشهدا مذهب را بیمه کرد، با عمل خودش اسلام را بیمه کرد» (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۶) «و این حرکت اسـلامی -سیاسـی بود که بنی امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود اسلام پایمال شده بود.» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۰).

اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی

انگیزه دیگر قیـام، عمـل به تکلیف دینی امر به معروف و نهی از منکر و اقـامه عـدالت اجتمـاعی است. به احکام اسـلامی عمل نمیشود و معطـل گـذارده شـده است.جـامعه در فسـاد و ظلم و جهل غوطه ور است آمر به معروفی و ناهی از منکری بایـد تا با فریاد به تغییر اوضاع دست زند و جامعه را اصلاح کند. حضرت امام «ره» در

این باره چنین فرموده است:–سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه ء عدل بود. فرمودند که می بینید که معروف عمل نمیشود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد. (صحیفه نور، ج ۲۰ – ص ۱۸۹).پیامبران با کتاب و دلایل روش و معیار سنجش حق و باطل فرستاده شدند تا قسط و عدالت را در میان مردم برپا کنند. [۱۶] .وظیفه اصلی ائمه معصومین که وارثان انبیا هستند – بنا بر زیارت مشهور وارث امام حسین (ع) وارث انبیا از آدم تا خاتم است. – نیز هدایت و رهنمونی مردم در بر پایی قسط و عدل خواهد بود. در حرکت آگاهانه امام (ع) یکی از اهداف غایی، اقامها حکام اسلام، برقراری نظام قسط و عدل و آزادی و در نهایت استقرار حاکمیت اسلام است. موضعگیریهای ضد اسلامی نظام اموی و فساد اجتماعی و اداری و مالی حاکم و شیوع ظلم و استبداد و ترک امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلمه نبودن عدالت و رواج منکر، عامل مهم حرکت امام (ع) بود؛ چرا که سکوت مطلق در برابر ظلم و فساد شایع بر خلاف تعلیمات اولیه اسلامی و به مثابه تأیید آن است. هدف امام (ع) هدف اصلاحی وسیع در سطح جامعه اسلامی آن روز برای حفظ حمایت دین شریف و برپائی شعایر ایمانی و اقامه اصول و ارزشهای انسانی خاصه ء عدل و آزادگی بوده است. امام حسین (ع) یک مصلح بزرگ دینی بود و به تعبیر امام خمینی «باید قیام بکند و خونش را بدهد تا

اینکه این ملت را اصلاح کند» (صحیفه نور ج ۲ ص ۲۰۸).عنصر امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه و اقامه عدل الهی بارها در کلمات امام (ع) آمده است و علت العلل قیام را تشکیل میدهد. با نگاهی دقیقتر، حتی بعد احیای سنت و بدعت ستیزی نیز در قالب امر به معروف و نهی از منکر می آید. امر به معروف و نهی از منکر گرچه در فقه و جزو ابواب فقهی مطرح است. اما بخشی صرفا فقهی نیست. واجب برتر و فریضه ای است که مبنا پایه و اساس فرایض دیگر محسوب میشود. نقش کلیدی و حیاتی دارد که حتی قوام و پایداری دین و شعایر ایمانی نیز در سایه آن است.حضور این اصل مهم را در قرآن کریم و در روایات و احادیث منقول از معصومین (ع) بطور جدی می بینیم؛ حتی سبب عذاب و هلاکت اقوام گذشته، که ذکر آنها در قرآن آمده، ترک این فریضه دانسته شده است. [۱۷] .قرآن، علت انقراض ملل و عدم برپایی کامل قوانین انبیای الهی را نبودن امر به معروف و نهی از منکر میداند. در آخرین وصیت حضرت علی (ع) خطاب به فرزندان و اهل بیت پاکشان چنین میخوانیم «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرارتان بر شما مسلط می گردند و شما هر چه دعا کنید به هدف اجابت نمیرسد.». [۱۸] .تبلور عینی این اصل را در حرکت امام حسین (ع) و سخنان و نامه های آن حضرت می بینیم. از سخنان آن حضرت خطاب به مروان بن حکم و در جواب پیشنهاد بیعت با یزید استفاده میشود که اگر نهی از منکر

نشود گرفتاریها بیشتر میشود. [۱۹] .در زیارات وداع کنارقبر مطهر جدش رسول خدا تأکید میکند که بارخدایا من معروفها و نیکیها را دوست دارم و از منکرها و بدیها بیزارم. [۲۰] .دو سال پیش از مرگ معاویه، امام (ع) خطبه ای در منی ایراد کرد و در آن با خطاب قرار دادن همه مسلمانان و بلکه همه مردم –چه حضرت با جمله «اعتبروا ایها الناس...» آغاز سخن کرد و گویا همه انسانها را در همه زمانها و مکانها مورد خطاب قرار داده است نه گروه خاص و زمان و مکان خاصی را – به ذکر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و تلویحا سهل انگاری و مسامحه آنان را در کوتاهی از انجام این تکلیف مهم دینی نکوهش کرد. امام (ع) ضمن اینکه آیاتی چند از کلام الله مجید را درباره این اصل مورد استناد قرار داد، چنین فرمود: «خداوند (در آیه سوره توبه «المؤمین و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) در شمردن صفات مؤمنان از امر به معروف و نهی از منکر آغاز میکند و آن را فریضه و واجب میشمارد. چه میداند که اگر آن اصل انجام گرفته و بر پاشود. همه واجبات از واجبات آسان تا فرایض سخت تر برقرار خواهد شد؛ بدین سبب که امر به معروف و نهی از منکر دعوت و فراخوانی به اسلام است و نیز بازگرداندن حقوق ستمدیدگان بر آنان و مبارزه با ستمگران و توزیع عادلانه ثروتهای عمومی و غنیمتها و جمع آوری صدقات و مالیاتها از موارد صحیح و صرف آن در موارد درست است.» [۲۱] .این عبارت صریحا نشاندهنده این است

که در صورت برقراری امر به معروف و نهی از منکر، همه واجبات الهی از کوچک و بزرگ عملی خواهد شد و مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد گردید. [۲۲] به همین دلیل، امام (ع) از ابتدای قیام شکوهمند خود و در جای جای آن بر این اصل مهم تکیه، و آن را انگیزه قیام عرفی میکند. امر به معروف و نهی از منکری که اگر برپا شود، جامعه، اصلاح، عدل، اقامه و دین شریف، احیا خواهد گشت. [۲۳] .

تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دین

از دیگر نکاتی که امام راحل و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در بیانات خود بدان اشاره کرده اند، انگیزه تشکیل حکومت است. امام «ره» چنین آورده است.- او (امام حسین (ع) مسلم بن عقیل را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل دهد و این حکومت فاسد را از بین ببرد. (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۷۴).- ایشان متوجه بوده است که چه دارد میکند... بلکه آمده بود حکومت هم میخواست بگیرد. اصلا برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال میکنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامد، خیر، اینها برای حکومت آمدند. برای اینکه باید حکومت دست مثل سیدالشهدا باشد. مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند، باشد. اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۰).اساسا لازمه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه وسیع و همه جانبه با مفاسد اجتماعی و سنتها و باورهای جاهلی و انحرافات و... دستیابی به قدرت است. [۲۴] .انحراف نظام اموی از علل

مهم قیام امام (ع) است. امام (ع) میخواست حاکمیت موجود را نفی کند و بساط بنی امیه را درهم پیچد و حکومت اسلامی برقرار سازد به عبارت دیگر هم مشروعیت حکومت وقت زیر سؤال بود و هم کار آمدی آن؛ لذا می بینیم که امام (ع) در تقابل با نظام سیاسی حاکم بیعت نمیکند چرا که بیعت به مثابه تأیید حکومت ضد دینی یزید و قانونی بودن و مشروعیت بخشیدن بدان و صحه گذاردن بر مفاسد و ظلمهای رایج و کارآمدی نظام و در نتیجه ضربه به اسلام و کیان دین بود. امام راحل «ره» میفرمایند: «پس از رحلت رسول اکرم (ص) معاندین و بنی امیه لعنهم الله اساس حکومت را دگرگون کردند. برنامه حکومتشان بیشترش با برنامه اسلام مغایرت داشت... رژیم حکومت کاملا وارونه و سلطنتی شد... شرع و حق حکم میکند که باید نگذاریم وضع حکومتها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند.» [۲۵] .در سخنان حضرت سیدالشهدا خطاب به ولید بن عتبه استاندار مدینه چنین میخوانیم: «ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و نزول رحمت خدا هستیم. اسلام با ما آغاز و با ما نیز ختم خواهد شد. یزید مردی است شرابخوار و کشنده افراد بیگناه و آشکار کننده فسق و فجور. شخصی چون من با فردی چون او بیعت نمیکند. آینده را نظاره کر باشیم تا ببینیم کدامیک از ما به خلافت و حکومت و بیعت امت اسلامی شایسته تر است.» [۲۶] .امام (ع) با شمردن صفات آشکار خاندان پیامبر و نیز ویژگیهای منفی یزید، که عنوان خلیفه مسلمین را بر خود نهاده است، بیعت را رد

و شایستگی خود را برای خلافت و عدم صلاحیت یزید را برای حکومت تصریح میکند. عبارت «مثلی لا یبایع مثله» حاوی نکات ظریفی است و وظیفه امثال امام حسین (ع) را در برابر امثال یزید بن معاویه در هر عصر و نسلی بیان می کند. نیز امام در سخنان دیگری خطاب به مروان حکم با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص)، خلافت را بر آل ابوسفیان حرام میداند. [۲۷] در نامه امام به مردم بصره باتوضیح در مورد خاندان پیامبر و شایستگی آنها به مقام خلافت و رهبری و اینکه سکوتشان به دلیل عدم ایجاد تفرقه میان امت اسلامی بوده است. آنها را دعوت به کتاب خدا و و سنت رسول می کند. [۲۸] سکوت خاندان رسول (ص) در برابر غاصبان اولیه خلافت به دلیل جلوگیری از تفرقه و تشتت جامعه اسلامی بود. افزون بر اینکه در آن جامعه عدالت بطور نیم بند مراعات می شد. در نتیجه معصوم (ع)، سکوت را ترجیح میدهد و تنها انحرافات را گوشزد و اصلاح میکند. اما با رسیدن حکومت به بنی امیه انحراف شدید ایجاد شد و اسلام در خطر به فسق و فجور علنی گردید. در همین نامه است که حضرت (ع) خطاب به مردم بصره مینویسد: «سنت رسول از بین رفته و بدعتها جای آن را گرفته است.» به تعبیر امام خمینی «ره» «اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام، لکن محتوا بر خلاف، نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم، حاکم اسلامی» (صحیفه نور. ج ۸ ص ۴۴) اگر (اسلام) نسیان شده بود یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و

یزید یک رژیم اسلامی را، رژیم طاغوتی داشتند معرف میکردند. (همان. ص ۷۰).پس از دریافت نامه های مردم کوفه که به قولی به دوازده هزار میرسید با فرستادن مسلم بن عقیل برای ارزیابی اوضاع کوفه، نامه ای نیز به مردم کوفه فرستاد که در آن شرایط امام (ع) «العامل بالکتاب» «الاخذ بالقسط» «الدائن بالحق» و «الحابس نفسه علی ذات الله» می شمارد و می گوید: «به جانم سوگند، امام کسی است که به کتاب خدا عمل کند و قسط و عدل پیشه سازد و پیروی از حق کند و وجودش را فدای فرمان الهی گرداند.» [۲۹] .امام (ع) در این نامه صریحا شرایط رهبری و پیشوایی را عامل بودن به کتاب و رعایت قسط و عدالت اجتماعی و دنباله روی حق و خلوص لله میداند. با توجه به وضعی که مردم در یزید سراغ داشتند و شناختی که از امام (ع) دارا بودند، انحصار آن ویژگیها را در امام میدیدند. گر چه به تعبیر فرزدق، دلشان با امام (ع) اما شمشیرشان علیه امام بود؛ به دیگر سخن قدرت اراده از آنها سلب شده بود. حرکت امام (ع) ناظر به دستیابی به قدرت به عنوان ابزار اصلاح جامعه در ابعاد گوناگون و به دست آوردن حکومت است. کوفه، از آنجاکه یکی از مراکز عمده ارتش اسلام است و از سوی دیگر کوفیان، نامه های بسیار مبنی بر بیعت با او فرستاده اند و زمانی حکومت ظاهری پدر بزرگوارشان علی (ع) و مرکزیت کشور اسلامی در همین شهر بوده است، اهمیتی استراتژیکی و سوق الجیشی دارد. پس برای این حرکت انتخاب میشود. به تعبیر حضرت (ع) در جواب فرزدق، اگر پیشامدها بر طبق

مراد حضرت باشد، سپاسگزار نعمتهای اوست و اگر نه، کسی که تقوا بر دلش حاکم، و نیت او حق است، از مسیر صحیح خارج نشده است. [۳۰] .بردباری امام در مسیر کربلا، استواری در تصمیم، راه ندادن سستی و ضعف در عمل و قوت بخشیدن به یاران و همراهان از جمله مواردی است که یک رهبر مصلح باید دارا باشد و حد اعلای آن را در امام (ع) نظاره گریم.امام (ع) در مقابل سپاهیان حر، که با او به نماز ایستاده بودند، اتمام حجتهایی کرد و اهل بیت را شایسته تر به ولایت و رهبری و حکومت معرفی کرد و بنی امیه را مدعیان به ناحق، حکومت کنندگان به زور و ستمگر و دشمن مردم نامید. [۳۱] دو سال قبل از به هلاکت رسیدن معاویه در خطبه ای که در منی در حضور جمع کثیری از مسلمانان از صحابه و تابعین ایراد کرد با شمردن فضایل أمیرالمؤمنین (ع) و خاندان عصمت و طهارت، انحراف مسلمانان را از مسیر صحیح ولایت و امامت و غفلت از وصایای حضرت رسول (ص) را گوشزد کرده است. [۳۲] .انحرافی که بلافاصله پس از رحلت پیامبر با کنارگذاری اهل بیت آن حضرت از مناصب اجرایی و حکومت آغاز شد و رفته رفته به آنجا رسید که پس از پنجاه سال نسبت به فرزند رسول خدا و خاندان و یاران ایشان اعمالی را مرتکب شدند که حتی در عرب جاهلیت نیز سابقه نداشت و قلم از نوشتن و زبان از بیان آن شرمگین است. درد اینجاست که ارتکاب آن اعمال «قربه الی الله» صورت گرفت. پشت سر امام (ع) نماز خواندند و بعد سر او

و یارانش را برای رضای خدا بریدند و خاندانش را به اسارت بردند. چرا چنین شد؟ و چرا چنین کردند؟ ریشه های تاریخی آن از کجا آغاز میشود؟ این قبیل سؤالات پژوهش تارخی عمیقی را می طلبد که از فرصت این نوشتار خارج است.سخنان امام (ع) و قیام او برای احیای اندیشه امامت و ولایت بود. اندیشه ای که بعد از رحلت پیامبر ختمی مرتبت به فراموشی سپرده شد و جامعه اسلامی با انحراف از حق، امام اصل را کنار گذاشته و موجبات انحراف مطلق در زمان آینده را فراهم آوردند. امام حسین (ع) در برابر این انحراف مطلق ایستاد و حکومت ضد دینی یزید را که برای ریشه کنی دین و احیای ارزشها و سنتهای جاهلی دست به تلاش گسترده و وسیع زده بود، غیر قانونی اعلام کرد. برای انتقال قدرت به معدن اصلی آن و جایگزینی حکومت دینی به جای حکومت ضد دینی دست به قیام زد. قیامی که سدی در برابر انحرافات رایج حکومت وقت و فسادهای شایع زمان و حرکت سریع تخریبی و سیاستهای ضدی دینی بنی امیه، خاصه یزید است.

برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین

از دیگر نکات مهم در قیام عاشورایی حسین (ع)، بیدار کردن وجدان خفته و برانگیختن روح غیرتمندی و آزادیخواهی در انسانها بود. امام راحل «ره» در این زمینه فرموده اند:-سید شهیدان و سرور اولیای خدا... با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر (صحیفه نور – ج ۲ – ص ۱۱).عاشورا... فریاد زن «هیهات

منا الذله» (است). (صحیفه نور - ج ۱۶ ص ۱۸۱) امت اسلامی در زمان پیامبر (ص) عاطفه شدید مکتبی داشتند. اما آگاهی عمیق عقیدتی در پیروان هنوز به وجود نیامده بود.پس از رحلت پیامبر (ص) در نتیجه خطاها و کوتاهیهای پیاپی، که مسلمانان در اثر روی آوردن و اقبال به دنیا در اثر هجوم ثروتها و غنایم جنگی و بیدار شدن طمع نهفته در درونشان، در زندگی علمی و عملی خود مرتکب شدند، همان عاطفه مکتبی نیز بتدریج از کف رفت. شدت هیچیک از خطاها و کوتاهیها به تنهایی احساس نمیشد اما وقتی بر هم انباشته شد به فساد تحویل یافت و فساد به فتنه تغییر قیافه داد. [۳۳] .مسلمانان در اثر روی آوردن به منافع حقیر دنیایی در غفلت به سر میبرند. و وجدانشان خفته بود. همت عمیق مکتبی که زمانی آنان را برای ابلاغ پیام دین حق به سایر سرزمینها کشانده، ضعیف شده بود. بی ارادگی، ضعف در تصمیم، خواری روح، ذلت امت و تخدیر شدید دینی مسایلی بود که در جامعه آن روز دیده میشد.عواطف امت درگیر واقعیات متناقض بود. سخن فرزدق خطاب به سیدالشهدا (ع) که «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» [۳۴] تفسیری جامع و تفسیری دقیق از جامعه بی اراده آن زمان بود. آری آنان مالک اراده خود نبودند و ندای دل و عواطف و فریاد وجدانشان برخلاف اعمال جنایت بارشان بود. درک میکردند اما نمی توانستند خود را دگرگون سازند. امام را می شناسند و دوری بنی امیه را اسلام نیز میدانند، اما زمینه هایی مانع از بروز برخورد با انحرافات میشود. طمع به مال و منال و پست و مقام، سرگرم شدن به مطامع

دنیا، سلطه بنی امیه و استبداد معاویه و یزید که بر آنها حکومت میراند. کمرنگ شدن انگیزه و غیرت دینی مردم، زمینه را برای تحقق فسادهای نظام اموی آماده کرد. همه چیز در نظر آنان بی ارزش مینمود. عقیده، عواطف، احساسات، و ارزشهای دینی در مقابل حیات محسوس ظاهری این جهانی بی بها بود. حیاتی که توأم با ذلت و خواری و بندگی میگذشت. سرکوبی، قتل، غارت، تعصبات قبیله ای و مفاخرات قومی و باورهای جاهلی که پیامبر رحمت، تلاش گسترده و سعی وافر در از بین بردن آنها داشت مجددا رواج پیدا کرد. بدتر اینکه وفای به عهد و پیمان که در جاهلیت نیز مرسوم بود از سوی بنی امیه و بالتبع مردم که «الناس علی دین ملوکهم» زیر پا گذاشته شد و غدر و خیانت و... رایج گردید.سکوت کشنده و آزار دهنده همراه با تأییدهای منفعت طلبانه و سودجویانه از سوی علمای سوء و دین به دنیا فروش که به استخدام طاغوت زمان درآمده بودند، همه و همه و... مجموعه ء عوامل بیرونی و درونی، تغییرات عجیب روحی و نهادی در امت اسلامی ایجاد کرد و می رفت که زحمات جانفرسای پیامبر خاتم و صحابه گرانقدرش به کلی پایمال شود. طبیبی دلسوز باید تا عمق بیماری و فاجعه را دریابد و به طبابت دلسوزانه پردازد.هدف امام (ع) ایجاد تغییر بود. میخواست فطرت سلیم انسانی، روح غیرتمندی و آزدمنشی مسلمانان و بلکه آدمیان را برانگیزد و در روح و نهاد آنان دگرگونی ایجاد کند. حرکت امام (ع) عدم بیعت با یزید، قبول دعوت کوفیان و سپس مبارزه شجاعانه و شهادت وسیله ای برای به حرکت درآوردن جامعه، شوراندن انگیزه ها، بیدارکردن وجدان عمومی

مردم و احساسات و عواطف عمیق مذهبی و ایجاد آگاهی مکتبی و احساس مسئولیت در مردم بود. حرکت امام (ع) فریادی بود در سکوت و شعله ای بود در تاریکی ظلمانی جاهلی و تلنگری بود بر وجدان خفته ء مردم آن روزگار و پیامی برای جهانیان آزاد اندیش و آزاد مرد.از بیان امام (ع) در کنار قبر جد بزرگوارش رسول خدا (ص) و گلایه و کشوه حضرت (ع) از مردم، [۳۵] میتوان وضعیت ناگوار جامعه آن روز را دریافت. جامعه ای که حتی عواطف مکتبی خود نسبت به رسول و اهل بیت پاکش را بتدریج از کف داده بود. در پاسخ پیشنهاد بیعت از سوی یکی از نزدیکانش [۳۶] فرمود: «به خدا قسم من هیچگاه زیر بار ذلت نخواهم رفت.» [۳۷] و در جواب برادرش محمد حنفیه میگوید: «برادر اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و مأوای نباشد باز هم با یزید بیعت نخواهم کرد» [۳۸] روح آزادگی و آزادمردی و غیرتمندی و پرخاشگری نسبت به فساد مسلط حاکم را در این عبارات میتوان دید.از بیانات امام (ع) آشکارا تحقیر مرگ دریافت میشود و این در تحقیر زمانی که سرگرم شدن به مطامع دنیا و دلبستگی شدید به منافع مادی، روحیه تسلیم و غفلت و فرار از مرگ را در جامعه رواج داده، خیلی معنادار است. تفسیر جدیدی که او از مرگ ارائه کرده، درس آموز است.اعلام آمادگی برای شهادت در کنار مرقد مطهر رسول خدا، [۳۹] پاسخهای متعدد به اطرافیان پاسخ ایشان به عبدالله بن عمر و اشاره به ماجرای کشته شدن یحیی بن زکریا [۴۰] که در طول سفر خود بارها از آن یاد میکند. نامه اش

به بنی هاشم [۴۱] خطبه حسین (ع) در مکه، که در آن مرگ را چون گردنبندی برگردن انسانها لازم شمرده است. [۴۲] پاسخ ایشان به ابن عباس، [۴۳] اشعار امام در پاسخ مردی که از کوفه می آمد و خبر مخالفت کوفیان با امام را به ایشان داد و در آن مرگ با شمشیر را افضل دانسته است، [۴۴] پاسخ امام به حر که آیا مرا از مرگ میترسانی و اشعاری که خواند، [۴۵] خطبه امام پس از ورود به کربلا و سعادت خواندن مرگ [۴۶] و بسیاری موارد دیگر حاکی از عظمت روحی امام و حقیر شمردن دنیا و مرگ در مقابل مسئولیت و تکلیفی است که برای دستیابی به هدف متعالی حفظ و احیای دین به عهده دارد.امام (ع) پس از ورود به کربلا ـ به ایراد خطبه ای در میان یاران و خاندان خویش پرداخت و با بیان اینکه اوضاع، دگرگون، زشتیها ظاهر، فضایل، سرکوب و فراموش شده و از فضیلتهای انسانی چیزی باقی نمانده مگر اندکی مانند قطرات ته مانده در ظرف آب و سایه شوم ذلت و خواری و بندگی ننگین طواغیت بر زندگی مردم گسترانیده شده است و اینکه در چنین محیط ننگینی «مؤمن» باید به فداکاری و جانبازی دست یازد. مرگ را سعادت و زندگی با ستمکاران را رنج و نکبت میخواند. در ادامه سخن امام (ع) جمله ای است که انسانشناسی عمیق آن حضرت را بیان میکند:«الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه مادرت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون» [۴۷] .امام (ع) خطاب به دینداران آن روز و هر روز فریاد دارد که «مردمان بندگان دنیایند و دین مایه شیرینی

دهانشـان. پشتیبـانی ایشـان از دین تـا آنجاست که زنـدگیشان میگـذرد و آنگـاه که در بوته امتحان قرار گیرنـد دینـداران کم خواهنـد بود.» آری آدمیان آنگاه که در کوره حوادث و بلایا و شدایـد قرار گیرنـد و به محک گـذارده شوند چهرهای واقعی خود را نشـان خواهنـد داد و این سـنت الهی است که در جهـان جـاری است و قرآن کریم نیز بر این نکته تأکیـد بسیار دارد و آزمایش را وسـیله جـداسازی مؤمن از غیر مؤمن و مجاهـد از قاعـد دانسـته است. [۴۸] شدایـد و حوادث بزرگ، فـارق مردان بزرگ و مردان حقیر، آزاد مردان و بنـدگان حقیقت طلبـان و منفعت جویـان، پـایمردان و سـست عهـدان، عملگرایـان و شـعار دهنـدگان، صالحـان و طالحـان خاصـان و آلودگـان و در یـک کلمه دینـداران و دنیامـداران است و امام (ع) چه خوب از این آزمـون الهی سـربلند بیرون آمـد و بیرق بیـداری و آزادگی را بر سـرزمین غفلت زدگـان و خاموشـان برافراشت. صـحنه کربلا عرصه آزمایش انسانیت بود و در این عرصه اوج انسانیت و حضـیض آن به نمایش درآمـد و «سـیه روی شد هر که در او غش بود.» امـام (ع) در اولین سـخنرانی خود در کربلاـ خطاب به لشـکریان عمر سـعد به موعظه آنان پرداخت و اتمام حجت کرد و گفت: «به خـدا سوگند دست ذلت در دست آنان نمیگذارم و از صـحنه جنگ مانند بردگان فرار نمیکنم» [۴۹] و در سخنرانی دوم با نکوهش آنان در پیمانشکنی چنین فرمود: «آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، ما را بین دو چیز قرار داده است. شمشیر و ذلت، و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم.»

[۵۰] .بیان صریح، موضع قاطع، تصمیم راسخ و اراده شکست ناپذیر امام (ع) مبنی بر آزادمنشی و تن به ذلت ندادن از این عبارتها پیداست. «هیهات منا الذله» شعاری است که امام حسین (ع) با ریختن خون خویش، آن را به اثبات رسانید و این ضربه بزرگی بود برای برانگیزاندن غیرت دینی و شور مذهبی مردم و بیدار کردن فطرت خواب رفته آنان که با پشت پا زدن به همه ارزشهای انسانی و اصول ایمانی، زیر بار ذلت بنی امیه سر خم کرده بودند و به منافع دنیایی پست و حقیر خود می اندیشیدند.کلام آخر در این زمینه سخن امام خطاب به سپاهیان بنی امیه و در حقیقت خطاب به همه جهانیان در هر زمان و مکان است؛ پس از اینکه همه یاران و اصحاب و برخی اولاد امام (ع) به شهادت رسیدند و امام (ع) دلیرانه دست به حمله های پیاپی زد. برای تضعیف روحیه حضرت (ع) به سوی خیمه ها حمله آغاز کردند امام (ع) با صدای بلند و رسا فریاد زد:«یا شیعه آل ابی سفیان، ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم و ارجعوا الی احسابکم ان کنتم عربا کما تزعمون» [۵۱] .«ای پیروان خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز بازپسین نمی هراسید لااقل در زندگی دنیاتان آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می پندارند به حسب و نسب خود باز گردید (و شرافت انسانی خود را لگدمال نکنید).».آری شأن بزرگ قیام عاشورایی امام حسین (ع) انسانسازی و حریت بخشیدن است درسی که در هر عصر و نسلی میتوان آن را آموخت و به تجربه نشست.امام راحل «ره» آورده

است «اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی باید از تاریخ استفاده کند... از تاریخ اسلام استفاده کند» [۵۲] «حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است. اصلا حرف روز را سیدالشهدا آورده است دست ماها داده است. سیدالشهدا همه جا هست. این نهضتها مرهون امام حسین سلام الله علیه است». [۵۳] «عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و متکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد» [۵۴] «این خون سیدالشهدا است که خونهای همه ملتهای اسلامی را به جوش می آورد» [۵۵] «سید الشهدا... در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است» [۵۶] .وجدان خفته مسلمانان بعدها بیدار شد و نهضتهای چندی رخ داد و موجبات سقوط بنی امیه را فراهم ساخت و در طول تاریخ نیز درس بزرگی برای همه آزادیخواهان و آزاداندیشان گردید. [۵۷] .

پاورقی

[۱] رک: حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ج ۲ - ص ۲۶۶ / نیز: ج ۳، ص ۳۳۷.

[۲] توماس کارلایل نویسنده مشهور انگلیسی زبان در کتابش که به عربی ترجمه و به «الابطال» موسوم است مینوسید: «قتل علی فی محراب عبادته لشده عدله».

[۳] رک: حماسه حسینی. ج ۳ ص ۲۸.

[۴] همان. ص ۷۷ به نقل از تاریخ ابن خلکان، ج ۴ -ص ۳۲۸.

[۵] رک: رساله جاحظ (درباره معاویه و امویان) - تحقیق عزت عطار ص ۱۶.

[۶] حماسه حسینی. ج ۳ ص ۱۰۳ و ۱۲۵ و ۲۱۹.

[۷] رک: مقتل الشمس - محمد جواد صاحبی. ص ۴۰ به نقل از مروج الذهب ج

۳ ص ۶۶.

[۸] مع السجوم فی ترجمه نفس المهموم. علامه شعرانی. ص ۲۵۲.

[۹] رک: بررسی تاریخ عاشورا - آیتی. مقدمه علی اکبر غفاری. [

[۱۰] بخش اول این خطبه که شامل احادیثی از ذات مقدس رسول الله (ص) در باب فضایل مولا علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. در کتاب «اسرار آل محمد» ترجمه کتاب سلیم بن قیس. متوفای ۹۰ هجری. مترجم نامعلوم ص ۱۸۵-۸ مطالعه بفرمایید؛ با این تفاوت که در آن کتاب تاریخ ایراد خطبه را یکسال قبل از مرگ معاویه میداند. دو بخش بعدی را نیز در کتاب «ولایت فقیه یا حکومت اسلامی» حضرت امام خمینی «ره» ص ۱۲۵ به بعد، به نقل از «تحف العقول» محدث حسن بن شعبه حرانی قرن چهارم ببینید.

[۱۱] و علی السلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید. رک: سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا - محمد صادق نجمی، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، بهار ۷۰، ص ۱۶ به نقل از لهوف، ص ۲۰ - مثیر الاحزان، ص ۱۰ - مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۱۸۵.

[۱۲] «و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (ص) ارید ان... أسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب...» رک: همان ص ۲۳ - به نقل از مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸ - مقتل عوالم ص ۵۴.

[۱۳] و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فان السنه قد امیتت و البدعه قد احییت» ر.ک: همان، ص ۴۸ به نقل از طبری. ج ۷

ص ۲۴۰.

[۱۴] «ایها الناس ان رسول الله (ص) قال من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله ناکثا عهده مخالفا لسنه رسول الله (ص) یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله. الا و ان هولاء قد لزموا طاعه الشیطان و ترکوا اطاعه الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفی ء و احلوا حرام الله و حرموا حلاله» رک: همان ص ۱۲۸ به نقل از طبری ج ۷ ص ۳۰۰ - کامل ابن اثیر. ج ۳ ص ۲۸۰ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۳۴ - انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۷۱.

[۱۵] رک: همان. ص ۱۵۵ به نقل از تحف العقول. ص ۱۷۴ - طبری ج ۷ ص ۳۰۰ -مثیرالاحزان ص ۲۲ - ابن عساکر ص ۲۱۴ - مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۵ - اللهوف ص ۶۹ در همین خطبه است که امام (ع) سخن مهم و جمله معروف خود را که باید آن را مبنای انسانشناسی آن حضرت دانست، بیان میکند.» الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم... مردم بندگان دنیایند و دین لقلقه زبانشان است. حمایت آنان از دین تا وقتی است که زندگیشان در گذر است و آنگاه که آزمایش شوند دینداران اندک خواهند بود» آری حقیقت انسانها و گروه ها و اصالت شعارهایی که میدهند جز از راه آزمایش در گرفتاریها و... به دست نمی آیند. حوادث سخت و آزمایشهای سنگین، فارق دینداران واقعی و ظاهری است و خوب را از بد، صالح را از طالح و خالص را از آلوده جدا میسازد و گویی همه مردم چنینند. اللهم

نجتنا من الفشل.

[۱۶] قرآن کریم، سوره حدید. آیه ۲۵: لقد ارسلنا رسلنا و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید... .

[۱۷] برای نمونه رک: هود / ۱۱۶ – مائده / ۷۹.

[۱۸] نهج البلاغه علی (ع) ترجمه و شرح فیض الاسلام.

[۱۹] رک: پی نویس شماره ۱۱.

[۲۰] رک: سخنان حسین بن علی (ع) صص ۲۰ و ۲۲ به نقل از مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۱۸۶ – مقتل عوالم، ص ۵۴.

[۲۱] فبدأ الله بالامر بالمعرفو و النهی عن المنکر فریضه منه لعلمه بانها اذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلها هینها و صعبها و ذلک ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفی و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها وضعها فی حقها... ولایت فقیه. حضرت امام خمینی. ص ۱۲۵– نیز: بحار الانوار – مجلسی – ج ۱۰۰ – ص ۷۹.

[۲۲] البته باید گفت امر به معروف و نهی از منکر در این سطح وسیع که برقراری عدالت اجتماعی و ریشه کنی ظلم و فساد و اصلاح دین و جامعه را به دنبال خواهد داشت تنها با امر به معروف و نهی از منکر زبانی آن هم فردی، امکان پذیر نیست. بلکه دستگاه منظمی را می طلبد که با برنامه ریزی و سازماندهی دقیق به این مهم دست یازد و به همین خاطر است که برقراری حکومت اسلامی را باید یکی از مصداقهای عمده و مهم امر به معروف دانست که در سایه آن سایر معروفها اقامه و از مناهی بازداشته میشود.

[۲۳] امام در وصیتنامه اش خطاب به محمد حنیفه قیام خود را «اصلاحی» و

خود را مصلح نامیده است و بر خواست خود مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر تصریح کرده است. رک: پی نویس شماره ۱۲. در جای دیگر امام (ع) خطاب به سپاهیان حر با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص) به بررسی مفاسد و جنایتهای حکومت بنی امیه پرداخته و انگیزه قیام خود را نهی از منکر می شمارد. رک: پی نویس شماره ۱۴. نیز پس از ورود به کربلا در اولین خطبه در جمع یاران و اهل بیت خود میگوید: «مگر نمی بینید که به حق عمل نمیشود و از باطل جلوگیری نمی گردد.» الا ترون الی الحق لا یعمل به والی الباطل لا یتناهی عنه. رک: پی نویس شماره ۱۵.

[۲۴] برای نمونه آیه ۸۰ سوره هود / آیه ۴۱ سوره حج که در اولی قدرت را وسیله منع از شر و در دومی برقراری امر به معروف ونهی از منکر را پس از به دست آوردن قدرت در زمین، از شرایط ذکر میکند.

[۲۵] نامه ای از امام. حضرت امام خمینی ص ۳۴ در حکومت بنی امیه مبانی اسلام کاملا مورد تهدید قرار گرفت و به آنها جلوه وارونه داده شد و در زمان یزید به اوج خود رسید. مدار خلافت اسلامی تبدیل به سلطنتی جائرانه و غیر دینی و بلکه ضد دینی شده بود. نفاقها که تاکنون زیر پرده پنهان بود برافتاد و خصومت امویان کیان اسلام و دین آشکار شد.

[۲۶] انا اهل بیت النبوه و معدن الرساله و مختلف الملائکه و مهبط الرحمه بنا فتح الله و بنا یختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمه معلن بالفسق و مثلی لا یبایع مثله و لکن

نصبح و تصبحون و ننظر و تنظرون اینا احق بالخلافه و البیعه، رك: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۱ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۱۶ -۸ - کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۶۳ -۴- ارشاد مفید، ص ۲۰۰ مثیر الاحزان، ص ۱۰ - مقتل خوارزمی، ص ۱۸۲ - لهوف، ص ۱۹.

[۲۷] رك: پی نویس شماره ۱۱.

[۲۸] رك: پی نویس شماره ۱۳.

[۲۹] «فلعمری ماالامام الا العامل بالکتاب و الاخذ بالقسط و الدائن بالحق و الحابس نفسه علی ذات الله» رك: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۵۱ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۳۵ کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۶۷ - ارشاد مفید ص ۲۰۴ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۹۵-۶.

[۳۰] رك: سخنان حسین بن علی (ع). ص ۸۶ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۶۴ - طبری ج ۷ ص ۲۷۸ -کامل بن اثیر ج ۳ - ص ۲۷۶ ارشاد مفید ص ۲۱۸ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۲۳ - البدایه و النهایه ج ۸ ض ۱۶۶. امام از دو راهی سرنوشت ساز تاریخ سربلند بیرون آمد. حضرت در صورت عدم پاسخ مثبت دادن به نامه های کوفیان در مقابل تاریخ محکوم میشد که از فرصت به دست آمده استفاده ء لازم را نکرد. از سوی دیگر با پاسخ مثبت دادن به درخواست مردم کوفه وفرستادن سفرا و حرکت به سوی آنان، علاوه بر اتمام حجت بر مردم، موجبات محکومیت آنان را در مقابل تاریخ فراهم آورد که علی رغم نامه نگاریهای فراوان و دعوت کردنها، با حسین (ع) آن کردند که کردند. پدر بزرگوارشان علی (ع) نیز پس از هجوم جمعیت مسلمان به

سوی او در پی قتل عثمان با اتمام حجت بر آنان حکومت بر آنان را پذیرفت. علی رغم اینکه کوتاهیهای فراوانی از ناحیه آنان دیده بود و میدید.

[۳۱] رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۱۶ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۹۷ –۸ – کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۸۰ – ارشاد مفید ص ۲۲۴ – ۵ – مقتل خوارزمی ص ۲۳۱ –۲.

[۳۲] رک: پی نویس شماره ۱۰.

[۳۳] رک: کامل ابن اثیر: ج ۳ – ص ۲۶۴.

[۳۴] رک: پی نویس شماره ۲۸.

[۳۵] رک: پی نویس شماره ۲۰.

[۳۶] این نزدیک طبق نقل صاحب لهوف «عمراطرف» فرزند أمیرالمؤمنین (ع) و برادر اوست. ص ۲۳.

[۳۷] رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۲۴ به نقل از لهوف ص ۲۳.

[۳۸] رک: همان. ص ۲۹ به نقل از مقتل عوالم ص ۵۴ – مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸.

[۳۹] رک: پی نویس شماره ۲۰.

[۴۰] رک: سخنان حسین بن علی (ع). ص ۳۹ به نقل از لهوف ص ۲۶ – مثیر الاحزان ص ۲۰.

[۴۱] رک: همان. ص ۴۶ به نقل از لهوف ص ۲۵ کامل الزیارات ص ۷۵.

[۴۲] رک: همان ص ۵۶ به نقل از لهوف ص ۵۳ – مثیر الاحزان ص ۲۱.

[۴۳] رک: همان. ص ۶۱ به نقل ازانساب الاشراف ج ۳ ص ۱۶۲ – طبری ج ۷ ص ۲۷۵ – کامل ابن اثیر ج ۴ ص ۳۹.

[۴۴] رک: همان. ص ۱۰۹ به نقل از ابن عساکر ص ۱۶۴ – مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۳۳ – مناقب ج ۴ ص ۹۵.

[۴۵] رک: همان ص ۱۲۴ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۷۱.

[۴۶] رک: پی نویس شماره ۱۵ در معانی الاخبار شیخ صدوق روایتی از

امـام سـجاد (ع) منقول است که هر چه در روز عـاشورا کار سـختتر میشـد رنگ رخسار امام حسـین (ع) برافروخته تر و آرامتر میشد تا آنجا که دیگران میگفتند «انظروا لا یبالی بالموت» او را ببینید که از مرگ هراسی ندارد ص ۲۸۹.

[۴۷] ر. ك: پی نویس شـماره ۱۵. سـنت وفای به عهد و عمل بر اساس پیمان، سـنت نیکویی بودکه حتی قبل از اسلام در میان قبایل جاهلی رواج داشت اسـلام نیز بر این سـنت صـحه گذارد. اما با روی کار آمدن معاویه این سـنت رفته رفته کمرنگتر شد. حتی پیمـان صـلح بـا امام حسن (ع) نیز از سوی معاویه زیر پا گذاشـته شـد. امام حسـین (ع) در جای جای سـفر خود نامه ها و بیعت آنان را یادآوری میفرماید. کوفیان چه بد از عهده آزمایش بر آمده و سست عهدی خود را نشان دادند.

[۴۸] برای نمونه: عنکبوت / ۲/ محمد / ۳۲.

[۴۹] رك: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۹۴ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۸۸.

[۵۰] الاـ ان الـدعی بن الـدعی قـد رکزبین اثنتین بین السـله و الـذله و هیهـات منا الـذله. رك: همان. ص ۱۹۱ به نقـل از تحف العقول ص ۱۷۱ مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۷ -۸.

[۵۱] رك: همان. ص ۲۹۵ به نقل از مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۳۳.

[۵۲] صحیفه نور. ج ۴. ص ۱۵.

[۵۳] همان، ج ۸، ص ۶۹ -۷۰.

[۵۴] همان، ج ۹، ص ۵۷.

[۵۵] همان، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

[۵۶] همان، ج ۱۷، ص ۵۸.

[۵۷] حضـرت امـام خمینی «ره» مطـالب دیگری نیز پیرامون قیـام اباعبـدالله الحسـین (ع) ذکر کرده انـد. عمل به تکلیف الهی و قرآنی، برای

خدا بودن قیام، آینده نگری امام (ع)، حرمت تقیه هنگام در خطر بودن دین خدا و آبیاری ریشه انقلابها و نهضـتها در جهان از جمله آن موارد است. پرداختن به هر کـدام از نکـات فوق تفصـیلی را میطلبـد و از سوی دیگر هر کـدام از انگیزه های فوق. به نحوی ذیل محورهای احیاگرانه قرار می گیرد بنابراین از طرح مجزای ان صرف نظر شد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی
۵.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:
۱.JAVA
۲.ANDROID
۳.EPUB
۴.CHM
۵.PDF
۶.HTML
۷.CHM
۸.GHB
و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
۱.ANDROID
۲.IOS
۳.WINDOWS PHONE
۴.WINDOWS
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹